

آثار و برکات انس با قرآن در کلام پیامبر اعظم (ص)

علی اسعدی

در مقاله حاضر نویسنده با استناد به آیات قرآن و روایات به برخی از آثار و دستاوردهای انس با قرآن کریم اشاره کرده است البته انس با این کتاب آسمانی، آثار دنیوی و اخروی فراوانی دارد که در این مقاله نویسنده صرفاً به پاره ای از آثار دنیوی ارتباط و انس با قرآن اشاره کرده است و پرواضح است که با یک مقاله نمی توان به تمام آن آثار آگاهی و اطلاع یافت، با هم آن را می خوانیم.

قرآن، کلام ارجمند خداوند و واسطه انس بندگان با خداست. راهنمای آدمی از ضلالت ها و پناهگاه او در فتنه ها، جدا کننده حق از باطل و نیکوترین سخن و رساترین اندرز و سفره گسترده الهی در میان بندگان است تا از خوان نعمتش جسم و جان خویش را حیات بخشند و زندگی سرد و زمستانی خویش را با انس با قرآن بهاری کنند. مگر نه آنکه بهار قرآن بهار دلهاست (۱) و بهار، زیباترین فصل طبیعت، آنانکه قلب خویش را با قرآن همنشین ساختند نه یک فصل حیاتشان که تمامی فصول زندگیشان در این جهان و آن جهان بهاری است.

پیامبر (ص) که قلب خویش را ظرف نزول قرآن ساخته، پیش از تمامی خلائق الهی با قرآن مأنوس بود و از آن در زندگی خویش تأثیر می پذیرفت. آنگاه که از عایشه وصف پیامبر را جویا شدند با جمله ای کوتاه اما دنیایی از معنا چنین گفت: «و کان خلقه القرآن»؛ (۲) قرآن، اخلاق پیامبر بود. رفتار و گفتارش، اندیشه و ذکرش، و تمامی حرکات و سکنات پیامبر قرآنی بود و به یقین بهترین و کوتاهترین وصف پیامبر در همین جمله خلاصه می شود از این رو پیامبر را باید آیه آیه قرآن دانست و تفسیر سیره اش را در قرآن جست. بنابراین اگر پیامبر اسوه حسنه مؤمنان است. «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه (۳) و اگر یکی از جلوه های اسوه بودن پیامبر را اوج انس او با قرآن بدانیم پس باید انس با قرآن و آثار آن را در کلام و رفتار ایشان جستجو کنیم و بدینوسیله به آن حضرت اقتدا کنیم. پیامبر چنان با قرآن مأنوس بود که بارها و بارها با تلاوت آیات اشک از چشمانش سرازیر می شد و از آن متأثر می گردید و چنین تأثیرپذیری از آیات جز با انس شدید قلبی با کلام وحی حاصل نمی شود.

ابوذر غفاری همدم و انیس پیامبر می گوید: «شبیبی رسول خدا ما را برای عبادت بیدار کرد، درحالی که خود آن حضرت آن شب بیدار بود و همواره این آیه را می خواند: «ان تعدبهم فانهم عبادک و ان تغفر لهم فانک انت العزیز الحکیم»؛ (۴) اگر آنان را (بندگان) عذاب کنی پس آنان بندگان تواند و اگر آنها را ببخشی پس همانا توانا و حکیمی»

ارتباط پیوسته با قرآن و مانوس بودن با آن آثار و ثمرات شگرفی دارد که پاره ای از آن مربوط به زندگی دنیوی و بخش مهمی از آن به جهان آخرت مربوط است. میزان بهره مندی انسان از این آثار بستگی به سطح و کیفیت انس با قرآن دارد. انس با قرآن را مراتبی است و کمترین مرحله انس با قرآن نگاه کردن روزانه به قرآن است که همین نگاه کردن بدون خواندن، جزو عبادات مستحبی محسوب شده و ثواب دارد. پیامبر در این باره فرمودند: «النظر

فی المصحف من غیر قراه عباده (۶) نگاه کردن به خطوط قرآن بدون خواندن آن عبادت است.»

شنیدن قرآن، تلاوت قرآن، حفظ قرآن، تعلیم و تعلم قرآن، توسل به قرآن، هریک مراتب و شیوه های انس با کتاب الهی است که در روایات، ثمرات و فوایدی برای هریک ذکر شده است.

به یقین معنای واقعی انس با قرآن صرفاً با تلاوت، حفظ، شنیدن و تعلیم بدون تدبر و عمل به قرآن حاصل نمی شود بلکه آنچه انس واقعی را معنا می بخشد عمل به آیات و تأثیرپذیری در عمل و رفتار تلاوت کننده است و گرنه چه بسا قاریانی که قرآن را تلاوت می کنند اما چون انگیزه های درستی ندارند قرآن آنها را لعنت می کند چنانچه پیامبر می فرمایند: «رب تال القرآن و القرآن یلعنه» (۷) از این روست که در روایات از جمله آداب تلاوت قرآن، تدبر، خشوع و خضوع و حزن و تأثیرپذیری برشمرده شده است.

براساس روایات پیامبر(ص) می توان آثار انس با قرآن را در دو حوزه آثار دنیوی و آثار اخروی تبیین کرد که در این نوشتار به بررسی آثار دنیوی آن خواهیم پرداخت.

البته آنچه بیان می شود تمامی آثار دنیوی انس با قرآن نیست بلکه آثار بسیاری نیز در روایات امامان معصوم(علیهم السلام) که مفسران مکتب نبوی هستند منعکس شده که این مقاله به آن پرداخته است.

آثار دنیوی انس با قرآن

۱- نجات از فتنه ها: زندگی آدمی همواره مملو از دردها، رنجها، دشواری ها و فتنه هاست که آدمی را در حل و رفع آن حیران می کند آنجا که دست هیچ درمانگر و روانشناسی به آن نمی رسد و چاره ساز آن نیست در چنین شرایطی پیامبر اعظم که طیب دردهای بشریت و در جستجوی دردهای اوست تا آن را مرهم نهد: «طیب دوار بطبه» (۸) می فرماید: «إذا التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن فانه شافع مشفع... فیه مصابیح الهدی و منار الحکمه» (۹) آن گاه که فتنه ها چون پاره های شب تاریک بر شما پوشیده شد به قرآن تمسک کنید که آن

شغیعی است که شفاعتش پذیرفته می شود... در آن چراغهای هدایت و نشانه های حکمت است...»

۲- دواى دردها: همان گونه که تن آدمی دردمند می گردد و نیازمند مداواست، قلب و روح آدمی نیز دچار درد، مرض و آسیب می شود. قرآن کریم درباره منافقان می فرماید: «فی قلوبهم مرض» (۱۰) در قلبهایشان مریضی است» حقیقت آنست که دردهای روحی، بسیار عمیق تر و عدم مداوای آن اثرات جبران ناپذیری بر زندگی آدمی و سعادت وی می گذارد. خداوند قرآن کریم را مایه «شفا»ی دردها معرفی کرده می فرماید: «ونزل من القراءان ما هو شفاء و رحمه للمومنین ولا یزید الظالمین الا خساراً» (۱۱)

تکبر و خود برتر بینی، حسد و ظلم و تجاوز و فتنه گری، سرکشی، طغیان و شرک و بسیاری از دردهای امروز جوامع بشری، ریشه در دور افتادن از تعالیم قرآن و دین دارد که متأسفانه بسیاری از مسلمین نیز با وجود داشتن نسخه شفابخش، گرفتار پاره ای از این دردها هستند.

از پیامبر اکرم (ص) درباره کارکرد شفابخشی قرآن روایت شده که: «من لم یتشف بالقرآن فلا شفاه الله، (۱۲) هرکس به قرآن شفا نجوید خداوند شفایش ندهد.» و در روایتی دیگر می فرماید: «القرآن دواء (۱۳) قرآن دواست.» شفابخشی قرآن فقط مربوط به دردهای روحی نیست بلکه روایات بسیاری از پیامبر و معصومین وجود دارد که بر نقش و تاثیر قرآن در بهبود دردهای جسمی تاکید می کند (۱۴) در فضیلت تلاوت سوره فلق و ناس آمده است که «روزی پیامبر شدیداً بیمار شد در این هنگام جبرئیل امین و میکائیل نزد آن حضرت آمدند. جبرئیل نزد سر آن جناب نشست و میکائیل نزد پای او، جبرئیل سوره مبارکه فلق و میکائیل سوره شریفه ناس را تلاوت کرد و پیامبر را به این وسیله در پناه خداوند قرار داد و پیامبر با این تلاوت شفا پیدا کرد و سالم گردید.» (۱۵)

از امام صادق (ع) روایت شده که مردی در محضر رسول اکرم از درد سینه خود شکایت کرد. حضرت فرمود. به قرآن کریم شفا بجوی. زیرا خدای عزوجل می فرماید: «و شفاء لما فی الصدور»؛ و شفایی است برای (دردهایی) که در سینه هاست.» (۱۶)

البته باید نکته ای را درباره شفا بخشی قرآن گوشزد کنیم که شفابخشی قرآن نیز مانند دعا کردن دارای شرایط و مصالحی است که گاه عدم وجود آن شرایط یا عدم مصلحت الهی در استجاب دعا موجب به تأخیر افتادن درمان با دعا می گردد.

۳- نشستن بر سفره ضیافت الهی: انسانی که با قرآن مأنوس است و آن را همنشین خویش ساخته، خود را بر

خوان رنگارنگ و بی نظیری می بیند که میزبان آن خداست، خدایی که غنی و بی نیاز است «ان الله هو الغنی الحمید» (۱۷) و کریم و بخشنده «فان ربی غنی کریم» (۱۸) و توانا بر ارائه تمام حوایج و خواسته ها (وهو علی کل شیء قدیر» (۱۹)

چگونه ممکن است آدمی بر سرچین سفره ای حاضر شود و بی توشه دست خالی برگردد. پیامبر اکرم می فرماید: «القرآن مآدبه الله فتعلموا من مأدبه ما استطعتم، (۲۰) قرآن سفره ضیافت الهی است پس تا می توانید از سفره ضیافت او فرا گیرید.»

براین اساس است که از نخستین روزهای نزول قرآن تاکنون هرکس به فراخور حال و نیاز و استعداد خویش از آن کسب معرفت نموده است. عارفان، فیلسوفان، متکلمان، علمای اخلاق، خطیبان و سخنوران، اهل بلاغت و فصاحت، روانشناسان، مورخان، جامعه شناسان، حقوقدانان، همه و همه آنگاه که در برابر قرآن زانو زده و سر بر آستان مقدسش ساییده اند خود را در برابر اقیانوس بی کرانه ای دیده اند که آنچه از آن نوشیده اند را تنها جرعه ای از دریای عظمت قرآن وصف کرده اند. از این رو میلیونها کتاب، مقاله و رساله تحقیقی در موضوعات آن نوشته شده و می شود و از همین روست که پیامبر در وصف قرآن می فرماید که: «عمیق بحره لاتحصی عجائبه و لایشبع منه علماوه، (۲۱) دریای عمیق است که شگفتیهای آن (قرآن) بیشمار و عالمانش از آن سیر نمی شوند.

در روایتی دیگر پیامبر به دانشمندان و علم دوستان توصیه می کنند که: «من اراد علم الاولین و الاخرین فلیثور القرآن، (۲۲) هر که خواهان علم پیشینیان و آیندگان (از اول تا آخرین) است در قرآن کاوش و تأمل کند.» آری قرآن تاریخ اقوام بسیاری را همراه با عوامل سعادت و شقاوت آنها بیان می کند که سیر در احوالات و پندپذیری از آن زمینه سعادت آدمی را فراهم می سازد.

اما خطر آنجاست که کسی به خاطر عدم شناخت درست قرآن در برآوردن نیازهای بشری، آن را سفره ای خالی بپندارد که باید غذای خویش را بر سر سفره قرآن حاضر سازد و بخورد بنابراین آراء و اندیشه های خود را بر قرآن تحمیل کند و گرفتار تفسیر به رأی گردد. (۲۳) از این رو پیامبر چنین نگاهی را به سفره پربرکت الهی مساوی کفر و عدم ایمان به خدا دانسته است و به نقل از خداوند می فرماید: «ما آمن بی من فسر برایه کلامی: (۲۴) هر کس سخن مرا به رأی و عقیده خویش تفسیر کند به من ایمان نیاورده است.»

۴- بهره مندی از ثروت فراوان: قرآن از آنجا که گفتار خداوند غنی است، راهبردها و هدایت هایش نیز بی نیاز

کننده از هر چیز دیگر است از این رو پیامبر اکرم می فرمایند: «القرآن غنی لاغنی دونه و لافقر بعده»؛ (۲۵) قرآن ثروتی است که بدون آن توانگری نباشد و با وجود آن فقری نخواهد بود. اگر بزرگترین نعمت وجودی را نعمت سعادت و هدایت بدانیم قرآن که هدایتگر بشری و نازل شده با این هدف است بالاترین نعمت خواهد بود و حامل و عامل قرآن در دست دارنده بالاترین نعمت به شمار خواهد رفت. پیامبر خدا می فرماید: «به هر کس نعمت قرآن (فهم و عمل به آن) داده شود و با این حال تصور کند که به شخص دیگری نعمتی بالاتر و بیشتر از نعمت قرآن به او داده شود به یقین کوچکی را بزرگ شمرده و بزرگی را کوچک شمرده است.» (۲۶)

علاوه بر بعد ثروت معنوی قرآن، تلاوت آیات و انس با آن بر خیر و برکت مادی انسان نیز می افزاید. از پیامبر اکرم روایت شده که: «فان البیت اذا اکثر فیه تلاوه القرآن کثر خیره و اتسع اهله...»؛ (۲۷) آنگاه که در خانه ای تلاوت قرآن بسیار شود خیر و برکتش زیاد شود و اهل آن به گشایش و وسعت (از زندگی) می رسند.

در روایات بسیاری از پیامبر و معصومین بر رابطه تلاوت سوره ها با وسعت رزق و روزی، دفع فقر و پریشانی و رفع قرض و بدهکاری تأکید شده است. به عنوان مثال پیامبر درباره نقش تلاوت مستمر سوره واقعه در رفع فقر و تنگدستی می فرمایند: «من قرأ سوره الواقعه فی کل لیله لم تصبه فاقه ابدا»؛ (۲۸) کسی که هر شب سوره واقعه را قرائت کند هیچ گاه فقر و تنگدستی به او نرسد. چنانکه درباره خواندن سوره انفال، سوره طه، سوره فتح و... به منظور گشایش روزی و دفع فقر روایاتی دیده می شود. (۲۹)

از امام زین العابدین (ع) حکایت زیبایی درباره نقش آیات قرآن در بی نیازی دیده می شود. آن حضرت به مردی برخورد نمودند که درب خانه ای نشسته بود. فرمود: ای مرد! چرا این جا نشسته ای؟ چرا در خانه این مرد جبار و ستمگر نشسته ای؟ گفت: از جهت فقر و بلا و مصیبتی که به من وارد شده است. آن حضرت فرمود: بلند شو تا تو را راهنمایی کنم به درب خانه ای که از این جا بهتر باشد و به سوی خدایی که از این مرد برتر باشد. پس حضرت دست آن مرد را گرفت و او را داخل مسجد برد و فرمود: دو رکعت نماز به طرف قبله بخوان و بعد از آن دست های خود را به طرف آسمان بلند کن و حمد و ثنای خدا را بخوان و درود بر پیامبر (ص) فرست سپس آخر سوره حشر و آیه اول سوره حدید و دو آیه ۱۷ و ۲۵ آل عمران را بخوان. آنگاه از خداوند طلب روزی و بی نیازی از مردم کن که حتماً تو را بی نیاز می کند. (۳۰)

۵- زندگی و مرگ سعادت‌مندان؛ سعادت گم شده هر انسانی است. تمام تلاشهای مردم در زندگی به منظور

کسب خوشبختی و سعادت است. هر چند در مفهوم درست سعادت و راه حقیقی کسب آن، اختلاف نظرهای شدیدی که منجر به تفاوت عملکردها در بدست آوردن آن شده ملاحظه می گردد. خداوند از راه سعادت‌مندان به عنوان راه پایدار و استوار یاد می کند و قرآن را هدایتگر به این راه معرفی می نماید و می فرماید: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم و یشیر المومنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا کبیرا! (۳۱) قطعاً این قرآن به (راهی) که پایدارتر است هدایت می کند و به مؤمنان که کارهای شایسته انجام می دهند مرده می دهد که پاداش بزرگ برای ایشان خواهد بود.»

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «ان اردتم عیش السعداء و موت الشهداء... فادرسوا القرآن...! اگر زندگی نیک بختان و مرگ شهیدان را می خواهید... قرآن را یاد بگیرید.» شهیدان در پرتو تعالیم قرآن که مرگ را آغاز حیاتی دیگر می دانند جان خویش را در لیبیک به معبود نثار کردند و از همین رو به خوشبختی رسیدند و آنکه قرآن را بیاموزد و به آن عمل کند همان راه شهیدان را که کسب تعالیم قرآن است پیموده است.

۶- نورانیت: خداوند نور آسمانها و زمین است: «الله نور السموت و الارض» (۳۲) و گفتار برآمده از نور نیز چیزی جز نور نخواهد بود. «یا ایها الناس قد جاءکم برهان من ربکم و انزلنا الیکم نورا مبینا» (۳۳) ای مردم درحقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستادیم.»

کار نور پرتوافکنی و نشان دادن راه از بیراه و خارج ساختن آدمی از تاریکی است. خداوند نور، با کلام نورانی خویش خواسته است تا آدمیان را از تاریکی ها به سوی نور خارج سازد:

«الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور» (۳۴)

آن که در عمل راه نور و روشنی را انتخاب می کند و با آیات نورانی قرآن مأنوس و هم نشین می شود رهاورد آن نیز یقیناً جز نورانیت ظاهر و باطن نخواهد بود و حتی خانه ای که در آن قرآن تلاوت شود نزد اهل بصیرت نورانی و درخشان خواهد بود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در وصف حاملان قرآن می فرمایند: «حمله القرآن هم المحفوفون برحمه الله الملبوسون بنور الله عز و جل» (۳۵) حاملان قرآن احاطه شده به رحمت الهی و پوشیده به نور خدای عز و جل هستند. و در روایتی دیگر می فرمایند: «ای ابوذر! بر تو باد به خواندن قرآن که این کار مایه ذکر و یاد تو در آسمان و نورانیت تو در زمین است.» (۳۶)

براساس روایت نبوی همان گونه که ستارگان آسمان بر اهل دنیا نور می دهند خانه ای که در آن تلاوت قرآن می

شود برای آسمانیان نورافشانی می کند. (۳۷)

۷- صیقل دل از زنگار: هر گناه بر صفحه قلب آدمی زنگار و کدورت می نشاند و کار نیک خلوص و صفا و پاکی بر قلب می افزاید. آن گاه که گناهان از صفحه دل پاک شد جای آن را نور می گیرد. تلاوت قرآن کفاره گناهان و پوشاننده آن است این توصیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سلمان است که می فرماید: «علیک بقراءه القرآن فان قرائته کفاره للذنوب...» (۳۸) بر تو باد به خواندن قرآن زیرا که خواندن آن کفاره گناهان است...» در روایتی دیگر از پیامبر می خوانیم: «ان القلوب تصدأ کما یصدأ الحدید قیل ما جلاؤها یا رسول الله؟ قال قراءه القرآن و ذکر الموت» (۳۹) همانا قلبها زنگار می گیرند هم چنان که آهن زنگار می گیرد. گفته شد ای رسول خدا جلای آن به چیست؟ فرمود: به تلاوت قرآن و یاد مرگ.»

۸- آرامش و بهره مندی از رحمت الهی: قرآن ذکر و یاد خداست و «ذکر» از اوصاف و اسماء قرآن است: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» (۴۰) خداوند ذکر الهی را مایه آرامش و اطمینان قلوب دانسته است. «الا بذکر الله تطمئن القلوب» (۴۱) هان که فقط با یاد خدا دل ها آرام گیرند.»

مأنوس بودن با کلام الهی رحمت خدا را بر انسان سرازیر می کند و او را در مهر الهی غرقه می سازد. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که: «هیچ گروهی در خانه ای از خانه های خدا برای تلاوت کتاب خدا و مباحثه آن جمع نشدند مگر این که آرامش بر آنان فرود آمد و رحمت فراگیرشان شد و فرشتگان آنان را در میان گرفتند و خداوند در میان کسانی که در نزدش هستند از آنان یاد کرد.» (۴۲)

۹- بازدارندگی از گناه و زنده ساختن دل: مأنوس شدن با خدا و دوستی با او دل را از آنچه مخالف میل اوست متنفر می سازد. اگر نماز، آدمی را از کار زشت بازمی دارد از همین روست که نماز، سخن گفتن خدا با بنده است: «ان الصلوه تنهی عن الفحشاء والمنکر» (۴۳) و قرآن نیز که هم سخنی با پروردگار است (۴۴) چنین اثری را بر عمل آدمی می گذارد. پیامبر (ص) می فرماید: «فرزندم از خواندن قرآن غافل مباش زیرا که قرآن دل را زنده می کند و از فحشا و... زشتکاری و ستم و گناه بازمی دارد.» (۴۵)

اما اگر می بینیم که قرآن تلاوت می کنیم ولی چنین تلاوتی ما را از زشتی ها بازمی دارد ایراد و اشکال نه از وعده به حق نبوی، بلکه هر عیب که هست از مسلمانی ماست. در آیات قرآن علاوه بر تلاوت قرآن ادای «حق تلاوت آن» از ما خواسته شده «الذین آتیناهم الکتاب یتلونه حق تلاوته.» (۴۶) حق تلاوت قرآن بنا به تفسیر پیامبر

اعظم آن است که «از آن، چنان که باید و شاید پیروی شود.» (۴۷) از این رو پیامبر معتقدند «اگر خواندن قرآن تو را از کار بد باز نمی‌دارد به حقیقت، قرآن نمی‌خوانی.» (۴۸)

۱۰- به دست آوردن حکمت: قرآن، کلام حکیمانه خداوند حکیم است. «تلك آیات الكتاب الحكيم» (۴۹) «و انك لتلقى القرآن من لدن حكيم عليم» (۵۰) و تو ای پیامبر قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می‌داری.»

انس با تعالیم حکیمانه، حکمت را در قلب آدمی می‌نشانند. حتی اگر در سنین قبل از بلوغ انس با قرآن صورت گیرد حکمت در قلب چنین کودکی رسوخ می‌کند. پس اگر چنین است به یقین تلاوت مستمر قرآن در جوانی و بزرگسالی حکمت به ارمغان می‌آورد. پیامبر خدا(ص) می‌فرمایند: «من قرأ القرآن قبل این یحتلم فقد اوتی الحکم صبیا» (۵۱) هر کس پیش از بلوغ، قرآن تلاوت کند در کودکی به او حکمت عطا شده است.»

۱۱- نگهداشته شدن از شر شیطان: سیره و روش متقین آن است که چون وسوسه‌ای از جانب شیطان به آنها رسد خدا را به یاد آورند و بینا شوند (۵۲) و حقیقت را که وسوسه شیطان درصدد دگرگون ساختن چهره آن بود بازشناسند. از این رو خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «اگر از جانب شیطان وسوسه‌ای به تو رسد به خدا پناه ببر.» (۵۳)

قرآن یاد خداست و آن که پیوسته یاد خدا می‌کند و با او مأنوس است در حصار محکم الهی و در حمایت اوست. پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «فادرسوا القرآن فإنه کلام الرحمان و حرز من الشیطان...» (۵۴) قرآن را بیاموزید زیرا که قرآن سخن خدای مهربان و مایه حفظ از شیطان و... است.» [مرکز فرهنگ و معارف قرآن] پانوشت‌ها در سرویس معارف موجود است.